



نوع مقاله: ترویجی

## اخلاق اجتماعی در سبک زندگی مؤمنانه در صحیفه سجادیه

سیدحسین شرف‌الدین / استاد گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>ع</sup>sharaf@iki.ac.ir  orcid.org/0000-0002-2490-0009 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

### چکیده

دنیای اجتماعی عرصه رویارویی اعضا در چرخه‌های مختلف ارتباطی و تعاملی است. ارتباطات اجتماعی به‌مثابه یک نظام کنش، از عناصر متعددی ترکیب و تألیف یافته است. کنش‌گر (دست‌کم دو نفر)، موقعیت (مکانی - زمانی)، انگیزه، هدف، اراده، کنش، هنجار، تأثیر، بازخورد؛ از مهم‌ترین این عناصر شمرده می‌شوند. برجسته‌ترین عنصری که حضور ایجابی آن در همه چرخه‌های ارتباطی، انتظار می‌رود، رعایت معیارهای ارزشی و قواعد اخلاقی پذیرفته شده است. در هر جامعه معمولاً متناسب با گفتمان فرهنگی غالب، اقتضائات ساختاری، موقعیت‌ها و شرایط محیطی، دواعی و اهداف کنش‌گران؛ طیف وسیعی از بایدها و نبایدهای ارزشی و قواعد اخلاقی مورد وفاق جهت سامان‌دهی به کنش‌های انسانی در ساحت‌های مختلف زیستی تمهید و تجویز شده است. در جامعه اسلامی، دین به‌مثابه یک فرآیند اجتماعی، نقش محوری در تولید، تأیید، تجویز، ترغیب به رعایت ارزش‌های اخلاقی، اعم از الزامی و ترجیحی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین «سبک زندگی» مؤمنانه دارد. این نوشتار درصدد است تا با روش تحلیل محتوای کیفی، بخشی از معارف اخلاقی اسلام را در حوزه روابط اجتماعی از کتاب شریف صحیفه سجادیه استخراج و در حد امکان توضیح و تفسیر کند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، اجتماع، ارتباط، کنش، تعامل، دعا.

## مقدمه

خویشتن‌های دیگر دارد، همانند دین عمل می‌کند. این دو «دستگاه باورهای ثابت» از نظر قدرت، استحکام و پایداری نیز با یکدیگر قابل قیاس‌اند (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۴، به نقل از اشتاپرنر).

اخلاق یا نظام اخلاقی گاه به‌مثابه یک نهاد اجتماعی (مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از بایدها و نبایدهای اخلاقی دارای اعتبار و مقبولیت جمعی و ضمانت اجرای غیررسمی که بالقوه می‌تواند نیاز هنجاری کنش‌گران در تعاملات اجتماعی و گزینش رفتارهای مرجح در قلمروهای مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تأمین کند) موردنظر قرار می‌گیرد. گفتنی است که هنجارهای اخلاقی تنها به بخشی از هنجارهای اجتماعی که در مقایسه، از جایگاه و موقعیت ارزشی برتر، گستره شمول و ارجاع بیشتر، مقبولیت همگانی یا اکثری، توجیه‌پذیری عقلانی و ضمانت اجرای غیررسمی برخوردار دارند، اطلاق می‌شود. ارزش‌های اخلاقی همچنین به لحاظ گستره شمول، همه کنش‌های انسانی را پوشش می‌دهند. از این‌رو همه افعال جوارحی و جوانحی (رفتارها، گفتارها، انگیزه‌ها، عواطف، هیجانات، خواسته‌ها، عادات و منش‌ها) انسان‌ها در مقیاس فردی و اجتماعی، البته مشروط به اختیار در دایره احکام اخلاقی جای می‌گیرند. از دید مرداک، فیلسوف اخلاق معاصر، نه فقط افعال ارادی اختیاری جوارحی و بیرونی و عمومی؛ که افعال ارادی اختیاری خصوصی (یعنی آنها که به ارتباطات و مناسبات آدمی با خودش و حیوانات با طبیعت پیرامونش و چه بسا با خدایش مربوط می‌شوند) و نیز جوانحی و درونی (یعنی آنها که در ساحت ذهن و ضمیر و روان آدمی انجام می‌گیرند) نیز مشمول احکام اخلاقی‌اند؛ حتی افعال ارادی غیراختیاری مانند افعال ارادی اضطراری و اکراهی نیز در دایره شمول احکام اخلاقی جای می‌گیرند و یا حتی انفعالات و حالات ذهنی - روانی، مانند خلوص قلب و بردباری روح نیز در همین دایره می‌گنجد (وارنوک، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸-۱۷۹)؛ و از دید برخی اندیشمندان، نظام فرائض اخلاقی همه «بایدها»یی که بر رفتار بشر تأثیر می‌گذارند، از جمله هنجارها، فرمان‌ها، توصیه‌ها، تقاضاها، وظایف، فضایل، ضوابط، مقررات و امثال آن و نیز همه روابط فردی و میان فردی و امثال آنها را دربر می‌گیرند و همه به این حوزه تعلق دارند (سنی‌مان، ۱۳۷۵، ص ۲۱).

ادیان الهی به اقتضای رسالت خویش، سعی وافری در تشریح خطوط کلی بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، نگرش‌ها و قواعد و هنجارها متناسب با آرمان‌ها و کمالات غایی منظور خویش، یعنی بسترسازی جهت ایجاد یک حیات طیبه این جهانی و سامان‌دهی به زندگی انسان در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، به‌عنوان مقدمه‌ای برای وصول به سعادت جاودانه اخروی مبذول داشته‌اند. اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین نسخه هدایتی خداوند در تأمین این ضرورت زیرساختی، گوی سبقت را از سایر ادیان پیشین و مکاتب بشرساخته ر بوده و مجموعه بسیار ارزشمندی از تعالیم هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، غایت‌شناختی، راه و راهنماشناختی و جامعه‌شناختی را فراروی انسان و جوامع انسانی نهاده است. اسلام در عین حال، لزوم بهره‌گیری از دستاوردها و یافته‌های عقلانی، تجربی و ذوقی بشر متناسب با خطوط ترسیمی خود را عمیقاً مورد تأکید قرار داده است. آیات و روایات (در رتبه اول) و دعاها و نیایش‌های معصومان (در رتبه بعد)، منابع اصیل اخذ معارف اسلامی‌اند. کتب ادعیه برخلاف تلقی غالب، یکی از منابع غنی برای استنباط خطوط عام فرهنگ دینی و جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلام شمرده می‌شوند. وجود برخی ذهنیت‌ها تاکنون مانع از بهره‌گیری عمیق از این ظرفیت در کنار آیات و روایات بوده است. کتاب گران سنگ *صحیفه سجادیه* به‌عنوان برجسته‌ترین میراث مکتوب و مأثور امام سجاده<sup>ع</sup> که در برخی روایات، زبور آل محمد<sup>ص</sup> لقب گرفته، به شیوه‌ای تقریباً منحصربه‌فرد، شمه‌ای از این معارف و تعالیم هدایت‌گر را به زبان دعا و نیایش در خود جای داده است. این نوشتار درصدد است تا جایگاه و نقش محوری ارزش‌های اخلاقی را در سبک زندگی مؤمنانه و مشخصاً در قلمرو ارتباطات اجتماعی جاری در جهان زیست روزمره آنها برجسته ساخته و در حد اجمال توضیح و تبیین کند.

نیاز انسان به اخلاق در همه سطوح زندگی اجتماعی، نیازی کانونی، همواره و اجتناب‌ناپذیر است. به تعبیر برخی اندیشمندان یکی از قدرتمندترین و پابرجاترین نظام‌های عقیدتی در مجموعه «باورهای ثابت» ما، نظام اخلاقی است. اخلاق از جهت نقشی که در شکل‌گیری هویت ما، یعنی جدایی فرد از خویشتن خویش و ابداع

تاکنون آثار متعددی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه در شرح و تفسیر همه یا بخش‌های منتخبی از کتاب شریف صحیفه سجادیه نگارش یافته و مستمراً نیز بر کمیت و تا حدی کیفیت شروح تولیدی افزوده می‌شود. به‌زعم نگارنده، فعالیت‌های پژوهشی درخور تحسین انجام شده، هنوز با سطح مطلوب و مورد انتظار در این خصوص، یعنی لایه‌کاوی و رمزگشایی عمیق از درون‌مایه‌های این کتاب عرشی، فاصله زیاد دارد. موضوع «اخلاق اجتماعی» نیز هرچند تاکنون، غالباً به‌صورت ضمنی مورد توجه برخی نویسندگان بوده، اما آثار تدوینی عمدتاً به ترجمه مبسوط برخی فرازها بسنده کرده و از ورود تفصیلی به‌ویژه با اتخاذ رویکردهای مختلف بازمانده‌اند. در ادامه به مهم‌ترین آثاری که تاکنون در این ارتباط تألیف یافته و برای نوشتار حاضر حکم پیشینه دارند، اشاره شده است:

مقاله‌های «ابعاد انسانی و اجتماعی صحیفه سجادیه» (شهری، ۱۳۸۴)؛ «حقوق والدین در صحیفه سجادیه» (دادوند، ۱۴۰۰)؛ «بررسی اصول اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه» (احمدوند، ۱۳۹۰)؛ «جلوه‌های اخلاق اجتماعی در ارتباط با همسایگان از منظر صحیفه سجادیه» (خیاط و رمضان‌زاده خیرآبادی، ۱۳۹۷).

کتاب‌های *اخلاق اجتماعی در صحیفه* (حق‌شناس، ۱۳۸۸)؛ *سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه* (رهبر، ۱۳۶۶)؛ *سبک زندگی در صحیفه سجادیه* (رضایی بیرجندی، ۱۳۹۵)؛ *فی ظلال صحیفه سجادیه* (مغنیه، ۱۴۲۳ق)؛ *شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق* (فلسفی، ۱۳۷۰)؛ *مجموعه مقالات همایش سبک زندگی امام سجاد* (دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ۱۳۹۲).

از این‌رو و وجه نوآورانه نوشتار حاضر را می‌توان در عطف توجه ویژه به روابط اجتماعی، جنبه هنجاری و مشخصاً اخلاقی این نوع روابط، گونه‌شناسی طرف‌های ارتباط با اقتضائات متفاوت آنها و توضیح اجمالی فرازهای منتخب با بیانی کارکردی، خلاصه کرد.

سؤال اصلی نوشتار بدین قرار است: رهنمودهای اخلاقی امام سجاد در ساماندهی تعاملات اجتماعی مطلوب در سبک زندگی مؤمنانه کدام‌اند؟

سؤالات فرعی نیز عبارتند از: فرد مؤمن در تعامل با گروه‌های مختلف اجتماعی، ملزم به رعایت چه معیارهایی است؟ موانع داشتن یک ارتباط اجتماعی مطلوب کدام‌اند؟ حقوق اخلاقی و قانونی متقابل افراد در تعاملات اجتماعی کدام‌اند؟

هنجارهای اخلاقی در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته هنجارهای فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند؛ هرچند بخش اجتماعی آن از گستره وسیع‌تر و کاربری بیشتری برخوردار است. در این نوع اخلاق، علاوه بر رفتار اجتماعی و جمعی کنش‌گران حقیقی، عملکرد نهادها و سازمان‌های اجتماعی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، قضایی و...) در یک جامعه، به‌عنوان موجودیت‌های فراقردی و شخصیت‌های حقوقی نیز در چارچوب وظایف و انتظارات و قواعد از پیش تعیین‌شده، مورد نقد، ارزیابی و اعتبارسنجی اخلاقی قرار می‌گیرند. غایت این نوع اخلاق، ایجاد و پرورش جامعه مطلوب است. ارزش‌های اخلاق اجتماعی با معیارهای جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی اجتماعی و ملاحظه سعاد و خوشبختی جمعی و پیشرفت اجتماعی، توجیه و ارزیابی می‌شوند. توجیه عقلانی ارزش‌های اخلاق اجتماعی متوقف بر پذیرش مفروضات خاصی در باب سعادت و کمال جمعی، وظیفه‌مندی اخلاقی نهادها و تصویر خاصی از «جامعه آرمانی» است (فنائی، ۱۳۸۴، ص ۵۹-۵۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۵-۲۱).

لازم به‌ذکر است که اخلاقیات مورد توصیه امام سجاد در دعا‌های صحیفه و به‌ویژه در رساله حقوق منسوب به وی، عمدتاً به زبان حقوقی (حقوق اخلاقی) بیان شده است. گفتنی است که حق در یک تقسیم‌بندی کلی به دو نوع حق حقوقی (ناشی از جعل و دارای ضمانت اجرای رسمی) و حق اخلاقی تقسیم می‌شود. به بیان برخی اندیشمندان، در ادبیات و فرهنگ اسلامی یکی از مواردی که واژه «حق» کاربرد فراوان دارد؛ حوزه مسائل اخلاقی است. ما در مورد برخی چیزها مفهوم حق را به‌کار می‌بریم؛ درحالی‌که این‌گونه نیست که اگر شخص، آنها را رعایت نکند قابل پی‌گیری و مجازات به‌وسیله دولت باشد. این‌گونه حقوق را «حقوق اخلاقی» می‌نامند؛ مانند حق همسایه، حق صلّه رحم، حق استاد، حق شاگرد، حق مسجد، حق حیوانات و نظایر آنها. بسیاری از این حقوق از نظر فقهی حکم وجوبی دارند و رعایت آنها لازم است؛ اما درهرحال، عدم رعایت آنها حداکثر موجب گناه و استحقاق عذاب اخروی است و قابل پیگرد و جریمه دنیایی و حکومتی نیستند. حق حقوقی فقط در روابط بین انسان‌ها مطرح می‌شود؛ درحالی‌که حق اخلاقی در مورد رابطه انسان با حیوانات و حتی موجودات بی‌شعور و جمادات نیز وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۳).

هرچند ممکن است تحت تأثیر زمینه‌ها، ضرورت‌ها، تشویق‌ها و تحریک‌های محیط اجتماعی صورت پذیرد؛ اما اموری است که فرد باید خود را به انجام آن ملزم سازد تا در نهایت به یک عنصر اجتماعی مفید تبدیل شود. بی‌شک، آثار و نتایج این خودسازی در جامعه و در ارتباط با سایرین انعکاس می‌یابد و به بیان دیگر، پیامد اجتماعی دارد. امام علیه السلام در فرازهای متعدد عموم مؤمنان را به رعایت ارزش‌های عام اخلاقی ذیل توصیه فرموده‌اند. جهت آسان شدن فهم عبارات و یک‌دست شدن مضامین، سعی شده تا این فرازها به زبان مخاطبان ترجمه شوند:

«وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهَدَايَةِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۲۰، فراز ۲۲)؛ هدایت‌جو و هدایت‌پذیر باشیم و در پرتو تعالیم حق، هدایت را از ضلالت تشخیص دهیم؛

«وَهَبْ لِي نُوراً أَشْهِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَ أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ» (همان، دعای ۲۲، فراز ۸)؛ زندگی سرشار از معنویت، نورانیت و توأم با بصیرت برای خویش سامان دهیم. [برخورداری از نور ایمان و معرفت (داشتن خودشناسی، زمان‌شناسی، وظیفه‌شناسی، جامعه‌شناسی، آفت‌شناسی طریق و...) نقش محوری در هدایت و راهبری انسان در کوره راه‌های زندگی و اتخاذ مواضع مناسب در فرایند زیست اجتماعی دارد]؛

«وَوَإِنْ أَقْرَبَكُمْ مِنَ اللَّهِ أَوْسَعَكُمْ خُلُقًا» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۰، ح ۱۳)؛ منش و مرام اخلاقی و سنت و سیره پسندیده داشته باشیم [این تعبیر نوعاً به لزوم داشتن بینش و گرایش اخلاقی، خوی و منش اخلاقی، احساس و کنش اخلاقی، و به‌طور کلی، اخلاقی زیستن در ساحت نظر، احساس و عمل اشاره دارد]؛

«وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۲۰، فراز ۳)؛ در کسب اوصاف اخلاقی و کمالات و فضایل نفسانی بکوشیم؛  
«وَالْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتُ، وَالْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتُ» (همان، دعای ۴۷، فراز ۹۴)؛ در انجام نیکی‌ها، و خیرات اهتمام ورزیم و بر یکدیگر سبقت جویم؛

«اللَّهُمَّ وَجِنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَ مَدَائِيَ الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هَوَاةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ» (همان، دعای ۴۲، فراز ۱۲)؛ «وَرَعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، وَ لَا تُجَرِّتْنِي عَلَى الْمَعَاصِي» (همان، دعای ۲۲، فراز ۵۴)؛ در دوری گزیدن از بدی‌ها، خطاها، محرمات و معاصی جدی و قاطع باشیم؛

گفتنی است که ارزش‌های اخلاقی مورد توصیه امام سجاده علیه السلام برخی از جنس خلقیات و ملکات فاضله نفسانی و بخش معظمی از سنخ کنش‌ها و رفتارهای اخلاقی‌اند؛ برخی فردی و در عین حال دارای زمینه و آثار اجتماعی، و برخی اجتماعی‌اند (معطوف به روابط و مناسبات فیما بین آدمیان)؛ برخی از نوع رفتار سلبی و اجتنابی و برخی ایجابی و اقدامی‌اند؛ برخی جوانحی و قلبی و برخی جوارحی و فیزیکی‌اند؛ برخی گفتاری و برخی رفتاری (کنشی)‌اند؛ برخی تعبدی (نیازمند نیت و انگیزه الهی) و برخی توصلی‌اند (اصل انجام عمل مهم است)؛ برخی عادی و برخی متعالی و ایثارگرایانه‌اند؛ برخی ناظر به تعامل مؤمن با مؤمنان و برخی ناظر به تعامل مؤمن با غیرانند (کفار، مشرکان و دشمنان)؛ برخی ناظر به خود رفتار و برخی ناظر به زمینه‌ها و موقعیت‌هایی هستند که امکان بیشتری برای صدور رفتار اخلاقی به فرد می‌دهند؛ برخی به خود رفتار و برخی به آثار و پیامدهای نیک و بد آن ناظرند؛ انجام برخی مستلزم اراده فرد (در کنار شرایط محیطی) و انجام برخی علاوه بر اراده، نیازمند توفیقات خاص الهی است؛ به لحاظ متعلق برخی رفتارهای اخلاقی مرجع از سنخ عبادی، برخی فرهنگی، برخی اجتماعی، برخی سیاسی، برخی اقتصادی و... شمرده می‌شوند.

## ۱. وظایف اخلاقی عام

امام سجاده علیه السلام در فرازهای متعددی از دعاها و بیانات روایی خود به وظایف و بایسته‌های اخلاقی مؤمنان، به‌ویژه در قلمرو ارتباطات و تعاملات او با خود و سایر عناصر محیط توجه داده‌اند. این بیانات در یک گونه‌شناسی کلی به (۱) ارتباط فرد با خود؛ (۲) ارتباط با دیگران تقسیم می‌شوند. گونه دوم، یعنی ارتباط با دیگران نیز در چهار بخش با ریز عنوان‌های ذیل دسته‌بندی شده‌اند: الف) ارتباط فرد با خانواده، خویشان و همسایگان؛ ب) ارتباط فرد با دیگران مهم و محبوب و شخصیت‌های مورد احترام؛ ج) ارتباط فرد با دیگران مطرود و منفور و افرادی که باید از آنها دوری گزید؛ د) ارتباط فرد با دیگران عام یا افراد، قطع‌نظر از ویژگی‌ها و تعینات شخصیتی و اجتماعی آنها. در ادامه به گزیده‌ای از این توصیه‌ها که صبغه اجتماعی روشن‌تری دارند، به ترتیب عناوین فوق اشاره می‌شود:

### ۱-۱. ارتباط با خود

مراد از این عنوان، وظایفی است که فرد در برابر خود دارد. این وظایف

در برخورد با دیگران، خوش خلق و گشاده‌رو باشیم؛  
 - «وَكَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بَعِيَهُ لِنَفْسِهِ عَنْ غُيُوبِ النَّاسِ» (همان، ص ۴۹۶، ح ۳۲)؛ به‌جای توجه به عیوب دیگران، به اصلاح عیوب خویش بپردازیم؛

- «فَاتَّقِعُوا بِالْإِعْطَةِ» (همان، ص ۴۴۴، فراز آخر موعظه امام)؛ موعظه‌پذیر باشیم و از هر توصیه و تذکارتی که به صلاح دین و دنیای ماست، استقبال کنیم؛ به بیان دیگر، در پذیرش ارشادات و توصیه‌های هدایت‌گر و مفید دیگران انعطاف داشته باشیم؛

- «وَالِاسْتِعَانَةَ عَلَيْهِ بِغَضِّ الْبَصَرِ» (همان، ص ۴۵۰، فراز ۹)؛ چشم خود را بر آنچه دیدن آن شاید، فروبندیم و از تماشای آنچه موجب انحراف فکر و دل از مسیر حق می‌شود، دوری گزینیم [از نگاه هوس‌آلود و شهوت‌انگیز به نامحرمان، آگاهانه بپرهیزیم؛ نگاهی که در برخی روایات به‌عنوان تیری از تیرهای شیطان که قلب بیننده را نشانه می‌رود، معرفی شده است. این نوع رفتار هم خود انحراف است و هم زمینه‌ساز برخی انحرافات دیگر است]؛

- «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ مِنْ عَقَّةٍ فَرَجَ» (همان، ص ۴۹۸، ح ۳۳)؛ در ارتباط با نامحرمان، عفت و حیا و پاکدامنی پیشه کنیم؛  
 - «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ مِنْ عَقَّةٍ بَطْنٍ» (همان، ص ۴۹۸، ح ۳۳)؛ در تغذیه و مصرف خوراکی‌ها بر انواع طیب و پاکیزه آن بسنده کنیم؛ یعنی به آنچه که شرع، عقل، تجربه و عرف، آن را مجاز، مفید، سالم و ضروری تشخیص می‌دهد، خود را مقید سازیم؛

- «أَجْرٌ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي، وَ أَرْوَعَتِي مِنَ أَمْوَالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْدِيًا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَنْعَقَبَ مِنْهُ طَغْيَانًا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۳۰، فراز ۳)؛ توان‌گری را که وسیله‌ای برای حفظ عزت و استقلال اقتصادی است، از راه حلال کسب کنیم و از تنگدستی و ذلت و حقارت ناشی از آن، خود را برهانیم [برخورداری از دارایی و تمکن به‌ویژه در حد کفاف، اسباب عزت مؤمن در تأمین نیازهای معیشتی خواهد بود. همچنین داشتن توان مالی فراتر از حد نیاز، در صورتی که به انفاق و دست‌گیری از دیگران و مصرف در سایر وجوه خیر منتهی شود، مایه تعالی و تقرب بیشتر او خواهد شد]؛

- «وَوَجَّهْتُمْ إِلَى النَّاسِ حَقِيقَةَ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۶، ح ۲۵)؛ «اللَّهُمَّ وَلى إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا جُهْدِي، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي، وَ سَوَّلْتَ لِي نَفْسِي رَفَعَهَا إِلَيَّ مِنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ، وَ لَا يَسْتَعِينِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنكَ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَ

- «وَأَرْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِأَخْرَجْتَنِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي» (همان، دعای ۲۲، فراز ۸)؛ در اعمال خود صداقت و اخلاص داشته باشیم؛ آنچه را که مقتضای بندگی و موجب تقرب ما به خداست به‌جای آوریم و از آنچه موجب دوری ما از آستان حق می‌شود، اجتناب ورزیم؛

- «وَالْقَوْلَ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْتَارَ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ کردار و گفتار نیکو و پسندیده خود را هرچند بسیار، اندک شماریم؛ و متقابلاً کردار و گفتار ناپسند خود را، هرچند اندک، بزرگ شماریم [بدیهی است که این نوع ارزیابی، موجب می‌شود تا همواره بر خوبی‌ها و فضایل خود بیفزاییم و از بدی‌ها و رذایل خویش بکاهیم]؛

- «وَأَلْهَمْنِي التَّقْوَى، وَ وَفَّقْنِي لِئَتِي هِيَ أَزْكَى، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۶)؛ تقواداری و پرهیزکاری را وجه همت خود قرار دهیم و حریم حرمت‌ها را پاس داریم؛

- «اللَّهُمَّ... وَ اسْتَظْهَرْ بَكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّائِيَّةِ» (همان، دعای ۱۷، فراز ۱۱)؛ با دین‌ورزی مخلصانه و آگاهی و بصیرت مؤمنانه از دخالت و نفوذ عوامل شیطانی در زندگی خود جلوگیری کنیم [مؤمن فراتر از علوم عادی و متعارف که اکسساب آن برای همگان میسر است، می‌تواند در صورت برخورداری از مراتب تعالی ایمان و عمل به درجاتی از معارف غیبی (روشن‌بینی و بصیرت) از مجرای تأمل در متون مقدس، تجربه‌های دینی، الهام و رویا دست یابد]؛

- «وَأَتَمِّقْصِ الْبَاطِلِ وَ إِدْلِلْهُ، وَ نُصِرَةَ الْحَقِّ وَ إِعْزَاؤُهُ» (همان، دعای ۶، فراز ۱۸)؛ در تقویت و نصرت حق در جلوه‌ها و مظاهر مختلف آن و متقابلاً در تضعیف و امحای باطل در جلوه‌ها و مظاهر مختلف آن، ثابت قدم باشیم [بی‌شک، فلسفه «امر به معروف» و «نهی از منکر» به‌عنوان دو فریضه همگانی تعطیل‌ناپذیر، تحقق این هدف است]؛

- «وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَةِ، وَ مِنْ أَدِلَّةِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۸)؛ در طریق حق استوار و پایدار باشیم و به هیچ بهانه و تحت هیچ شرایطی از مسیر و طریق حق عدول نکنیم.

## ۱-۲. بایسته‌های اخلاقی در ارتباط با خود

امام سجاده علیه السلام همچنین، فراتر از اصول کلی فوق، به برخی از خلقیات و بایسته‌های اخلاقی توجه می‌دهند:

- «وَوَسَّنْ خُلُقَهُ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۰، ح ۱۵)؛

- «وَوَقَّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا... لِشُكْرِ النَّعْمِ» (صحیفه سجاده، ۱۳۹۰، دعای ۶ فرز ۱۸)؛ «وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِي فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِالْأَلْيَكِ» (همان، دعای ۴۷، فرز ۱۱۴)؛ شکرگذار نعمت‌های بی‌واسطه و با واسطه خداوند باشیم. [از همه کسانی که واسطه دستیابی ما به نعمتی شده‌اند، قدردانی کنیم. گفتنی است که شکرگزاری گاه زبانی و گاه عملی (یعنی استفاده درست و بهینه از داشته‌ها و امکانات) است]؛

- «وَلَيْنِ الْعَرِيكَةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سَكُونِ الرِّيحِ، وَ طَيْبِ الْمُخَالَفَةِ» (همان، دعای ۲۰، فرز ۱۰)؛ به‌جای غلظت، خشونت، قساوت و سخت‌گیری بی‌مورد؛ اهل انعطاف، مدارا، سازگاری و فروتنی باشیم. [البته اعمال درجاتی از خشونت و سخت‌گیری در موارد مقتضی به‌ویژه در برخورد با اهل باطل و انحراف، لازمه ایمان است]؛

- «وَوَاعِظِي مِنَ الْفَخْرِ» (همان، دعای ۲۰، فرز ۳)؛ از تفاخر و برتری‌جویی بردیگران اکیداً اجتناب ورزیم [تکبرورزی تنها در مقابل متکبران آن‌هم به‌عنوان یک رفتار نه یک خصیصه، و آن‌هم صرفاً با هدف تأدیب آنها، نه تقلید از آنها، مجاز خواهد بود]؛

- «وَوَكْظِي مِنَ الْغَيْظِ» (همان، دعای ۲۰، فرز ۱۰)؛ به‌هنگام عصبانیت، خشم خود را فروخورده و کنترل کنیم [از هر نوع تصمیم و عمل در چنین وضعیتی اجتناب ورزیم]؛

- «اللَّهُمَّ وَ مَعْنِي بِالْاِقْتِصَادِ» (همان، دعای ۲۰، فرز ۱۸)؛ در امور مختلف، میانه‌روی و اقتصاد پیشه کنیم و از افراط و تفریط بپرهیزیم؛

- «وَوَهَبْ لِي نُوراً أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَ أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ» (همان، دعای ۲۲، فرز ۸)؛ در رویارویی با فتنه‌ها و فضای غبارآلوده جامعه، بصیرانه و خردورزانه عمل کنیم [اتخاذ تصمیم درست به‌ویژه در فضای غبارآلود، تنگناهای زندگی و در شرایط سخت اجتماعی، به بصیرت ویژه نیاز دارد که جز از طریق استمداد و توسل و الهامات غیبی حاصل نمی‌شود].

## ۲. ارتباط با دیگران

### ۲-۱. ارتباط با خانواده، خویشان، همسایگان

- «وَوَإِنْ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغْكُمْ عَلَيَّ عِيَالِهِ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۰، ح ۱۳)؛ در رسیدگی به امورات اجتماعی، خانواده،

عَثْرَةً مِنْ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ» (صحیفه سجاده، ۱۳۹۰، دعای ۱۳، فرز ۱۵)؛ بیشترین وابستگی را به داشته‌های خود و کمترین وابستگی را به داشته‌های دیگران (ثروت و مکنث) داشته باشیم. [بی‌شک، عزت مؤمن در کاهش وابستگی حقارت بار به دیگران است. به بیان دیگر، وابستگی خود به دیگران را به جای یکسویه (حقارت‌بار)، به دو سویه و متقابل (مطلوب) تبدیل کنیم]؛

- «وَوَجِّحِي بِالْكَفَايَةِ...» (همان، دعای ۲۰، فرز ۲۲)؛ توفیق برخورداری مستمر از روزی حلال و به قدر نیاز [از طریق ثروت، درآمد و کسب و کار] که بالطبع شرط لازم برای داشتن یک زندگی آرام است؛ را از خدا بخواهیم؛

- «وَوَجِّرْ مِنْ أَسْبَابِ الْخَلَالِ أَرْزَاقِي، وَ أَزُو عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُخْذِتُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْذِيًا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَبَّ مِنْهُ طُعْيَانًا» (همان، دعای ۳۰، فرز ۳)؛ «وَوَلَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ، وَ امْنَحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ» (همان، دعای ۲۰، فرز ۲۲)؛ از داشتن زندگی راحت و سرشار از امکانات [که بالقوه می‌تواند زمینه مستی، تفاخر، اسراف، ستم و غفلت از خدا را فراهم سازد]، به خدا پناه ببریم. [مؤمن همواره باید با هوشیاری، مراقبت، تیزبینی و فراست مؤمنانه زندگی کند و از ابتلا به هر نوع غفلت، تعافل و خودفراموشی که زمینه‌ساز لغزش به سمت انحرافات است، خود را بدور دارد]؛

- «وَوَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَذَا كَذَا» (دعای ۲۰، فرز ۲۲)؛ از ابتدای ناخواسته به زندگی توأم با سختی، تنگدستی، و ضیق معاش که مانع آسایش و آرامش ما می‌شود، به خدا توسل جوییم؛

- «اللَّهُمَّ وَ احْجُبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَ الْإِزْدِيَادِ، وَ قَوْمُنِي بِالْبَدَلِ وَ الْاِقْتِصَادِ، وَ عَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَ اِقْضِنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ» (همان، دعای ۳۰، فرز ۳)؛ از اسراف و تبذیر، مصرف بیش از حد ضرورت و ریخت و پاش توجیه‌ناپذیر اموال و دارایی‌ها بپرهیزیم؛

- «وَوَلَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ» (همان، دعای ۲۰، فرز ۳)؛ از طمع‌ورزی و وسوسه شدن نسبت به دارایی‌ها و امکانات دیگران، دوری کنیم؛

- «وَوَجِّعْهُ وَ صَبْرُهُ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۰، ح ۱۵)؛ صبور و بردبار باشیم. [در منابع اخلاقی به سه نوع صبر اشاره شده است: صبر در مقابل نامالایمات و تلخکامی‌های روزگار؛ صبر در مقابل وسوسه‌ها و تمایلات نفس سرکش و اشتیاق آن به گناه و انحراف؛ صبر در طاعت و عبادت یعنی انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات]؛

۴۹۸، ح ۳۵) از عالمان ربانی الگو بگیریم و آنان را اسوه‌های ایمانی و اخلاقی خویش قرار دهیم [بی‌شک، عالمان ربانی، علاوه بر جنبه‌های علمی، در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و مشی و سلوک معنوی نیز مرجعیت الگویی و هدایتی دارند]؛

– «و تَادَّبُوا بِأَدَابِ الصَّالِحِينَ» (همان، ص ۴۴۴، فراز آخر موعظه امام)؛ به آداب نیکان تأدب کنیم و خوی و منش آنها را سرمشق خود قرار دهیم [این بیان، متضمن اهمیت و نقش محوری شخصیت‌های الگویی و اسوه‌های تربیتی به‌عنوان راهبران و راهنمایان هدایت یافته و مورد وثوق و نیاز افراد به الگوگیری از ایشان است]؛

– «و السَّبْقُ إِلَى الْفُضَيْلَةِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ در کسب فضیلت‌ها بر یکدیگر سبقت جویم [این بیان اگرچه به ارتباط مؤمنان با یکدیگر (نه لزوماً دیگران مهم) اشاره دارد؛ اما از آنجاکه سبقت‌جویی در کسب فضایل، نشانه بزرگ منشی و تعالی‌جویی فرد است، می‌توان فضیلت‌جویان را هرچند بالقوه در زمره دیگران مهم شمرد].

### ۲-۳. دیگران مطرود و منفور

– «اللَّهُمَّ اغْنِنِي عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۸۸، ح ۴)؛ خود را از رنج و شرارت بندگان [بدخو و زشت سیرت] به‌دور داریم؛  
– «اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلِمَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۱۴، فراز ۷ و ۱۰)؛ از ظلم بر دیگران (ظالم شدن) و تن دادن به ظلم دیگران (مظلوم واقع شدن) اجتناب ورزیم؛  
– «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ آبَاءَنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهْلِيْنَا وَذَوِي أَرْحَامِنَا وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حِرْزٍ وَحِصْنٍ خَافِضٍ وَكَهْفٍ مَانِعٍ، وَالْبِسْهُمُ مِنْهُ جُنْأً وَقَابِيَةً، وَأَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً» (همان، دعای ۱۷، فراز ۱۰)؛ در ایجاد مصونیت فکری، روانی، اعتقادی و ارزشی برای خود و عموم مردم در مقابل دخالت‌ها و اقدامات عوامل شیطانی تلاش کنیم و توان لازم برای مقابله با آنها را کسب کنیم؛

– «اللَّهُمَّ وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَأَسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۲۶، ر.ک: همان، دعای ۱۳، فراز ۱۵)؛ از وابستگی به فرومایه‌گان و ستم‌پیشه‌گان (و نیز کفار، مشرکان، منافقان و دشمنان) خود را برهانیم؛  
– «اللَّهُمَّ فَافْتِنِ بِحَمْدٍ مَنْ أَعْطَانِي، وَابْتَلِي بِذَمٍّ مَنْ مَنَعَنِي» (همان، دعای ۲۰، فراز ۲۶)؛ اغیار (موارد چندگانه در فراز فوق) را به

خویشان و نزدیکان را در اولویت قرار دهیم [نیازها و تقاضاهای آنها را در حد امکان رفع و رجوع کنیم]؛

– «مَنْ أَعْطَى النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَائِلُهُمْ لِنَفْسِهِ» (همان، ص ۴۹۶، ح ۳۲)؛ ایشان را بر خویش مقدم داریم و به‌رغم نیاز خود بدان‌ها کمک کنیم [ایشان]؛

– «وَإِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا، وَمَنْ أَعْلَى طَوْلًا، وَذَمُّوا كَثِيرًا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۲۲، فراز ۳)؛ از نیازمندی و وابستگی مالی به ارحام و اقارب (به‌دلیل خوف از محرومیت یا روی‌گردانی ایشان) بپرهیزیم؛

– «وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ» (همان، دعای ۴۴، فراز ۱۰) با ایشان به نیکی رفتار کنیم [صله رحم]؛

– «وَ أَكْفَيْ مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَاةِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۹)؛ با ارحام قطع‌کننده پیوند [قطع رحم] بپونیدیم و با ایشان از در صلح و آشتی درآییم؛  
– «وَأَنْ نَتَّاهِدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ» (همان، دعای ۴۴، فراز ۱۰) به همسایگان خود احسان کنیم [در محور مربوط به حقوق همسایه، این توصیه با تفصیل بیشتری توضیح یافته است].

### ۲-۲. دیگران مهم و محبوب

– «وَ طَاعَةٌ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۸، ح ۳۵)؛ از پیشوایان الهی اطاعت کنیم [که مصداق آن در رتبه اول پیامبران الهی و حضرات معصومین علیهم‌السلام و در رتبه بعد وارثان آنها، یعنی عالمان ربانی و پیشوایان صالح و در مرحله نازل، مؤمنان عادل، فرهیخته یا دست‌کم ظاهر‌الصلاح هستند]؛

– «مَجَالِسُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ» (همان، ص ۴۹۸، ح ۳۵)؛ با صالحان و پرهیزکاران همنشین باشیم که این خود راهی برای رستگاری است [این مهم طبعاً در پرتو خواست و اراده تعالی‌جویانه مؤمن، زمینه‌ها و شرایط زیستی و فضای فرهنگی اجتماعی جامعه او محقق می‌شود]؛

– «بَلِ اجْعَلْ سَكُونُ قَلْبِي وَ أَنْسَ نَفْسِي وَ اسْتَعْنَانِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِكَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۲۱، فراز ۱۲)؛  
«وَ اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ» (همان، دعای ۴۷، فراز ۱۲۷)؛ با اولیای الهی، مؤمنان صالح، نیکان و تقوایندگان، مجالست، مصاحبت و مراودت داشته باشیم؛

– «وَ آدَابُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص

موقعیتی آنهاست. این مجموع وظایف، در یک دسته‌بندی کلی به دو بخش «تعاملات اجتماعی» و «تعاملات اقتصادی» تقسیم می‌شوند. ابتدا به طرح وظایف اجتماعی و در ادامه به طرح وظایف اقتصادی مؤمنان در برابر دیگران عام پرداخته شده است:

- «وَ اِنْتِدَاءَهُ اِيَّاهُمْ بِالسَّلَامِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۶،

ح ۲۹)؛ در سلام کردن بر یکدیگر سبقت جوییم؛

- «وَ اِلْسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ بِغَضِّ الْبَصَرِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، ص

۴۵۰، فراز ۹)؛ چشمان خود را از دیدن نامحرمان فرو بندیم؛

- «وَ اَمَّا حَقُّ فَرَجِكَ فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ» (همان، ص

۴۵۰، فراز ۹)؛ نیاز جنسی خود را از مجرای مشروع و مجاز (ازدواج)

ارضا کنیم [در تقابل با اخلاق رهبانی برخی ادیان همچون مسیحیت کاتولیک، اسلام بر ازدواج مؤمن در صورت داشتن شرایط و به‌ویژه در صورت نیاز، تأکید کرده و بر لزوم رعایت اخلاق جنسی مناسب در تأمین این غریزه بنیادین تصریح دارد]؛

- «وَ اَعْيَى عَلَيَّ وَ مَرَضِي الْقَوْلِ» (همان، دعای ۴۷، فراز ۱۱۳)؛

با دیگران، به نیکی و شایستگی سخن گوئیم؛

- «وَ مَا اجْرَى عَلَيَّ لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ اَوْ هُجْرٍ اَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ

اَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ اَوْ اَغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ اَوْ سَبِّ حَاضِرٍ» (همان، دعای

۲۰، فراز ۱۳)؛ «اِنَّ الْمَعْرِفَةَ وَ كَمَالَ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلَامِ فِيمَا لَا يَحْتَبِرُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۰، ح ۱۵)؛ از یاهوه‌گویی،

فحاشی، گواهی نایحق، عیب‌جویی، ناسزاگویی و باطل‌گویی بپرهیزیم؛

- «وَ الْقَوْلُ بِالْحَقِّ وَ اِنْ عَزَّ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۲۰،

فراز ۱۰)؛ سخن حق بر زبان جاری کنیم، حتی اگر دشوار [و تلخ] باشد؛

- «وَ قَلَّةٌ مِرَاتِهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۰، ح ۱۵)؛ از

جدال و منازعه با دیگران بپرهیزیم؛

- «حَتَّى لَا نَضْعِيَ بِاسْمَاعِنَا اِلَى لُغُو، وَ لَا نُسْرِعَ بِاَبْصَارِنَا اِلَى لَهْوٍ»

(صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۴۴، فراز ۶)؛ گوش‌های خود را از

شنیدن سخنان لغو و بیهوده ببندیم [که قاعدتاً با پرهیز از مجالست و

مصاحبت با افراد یاهوه‌گو و اجتناب از شرکت در مجالسی که مظان در

غلطیدن به این انحراف است، حاصل‌شدنی است]؛

- «وَ كَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقَتْ» (همان، دعای ۴۹، فراز ۱۲)؛ به

دیگران حسن ظن داشته باشیم [وظیفه اولی عموم در جامعه حسن

ظن به یکدیگر است و سوء ظن تنها نسبت به کسانی رواست که

خود از قبل زمینه‌های آن را فراهم ساخته باشند]؛

پاس خدمات ظاهری‌شان مورد ستایش و تملق قرار ندهیم [چون ممکن است این خدمات در مقابل خسارت‌های آنها به جامعه و هزینه‌هایی که تحمیل می‌کنند، اندک باشد؛ از طرفی، ستایش آنها زمینه اقبال دیگران بدیشان را فراهم سازد. روشن است که این توصیه با تشکر و قدردانی معمول به پاس خدمات دریافتی منافاتی ندارد]؛

- «وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، وَ لَا لَكَ عِنْدِي يَدًا، وَ لَا يَسِي

اِلَيْهِمْ حَاجَةٌ» (همان، دعای ۲۱، فراز ۱۲)؛ خود را وامدار منت ایشان

قرار ندهیم [عدم نیازمندی و پرهیز از دریافت خدمات محتمل ایشان تا بهانه‌ای برای منت‌گذاری بر ما پیدا نکنند]؛

- «وَ رَفُضِ اَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ» (همان،

دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ از هم‌راهی و هم‌نوایی با بدعت‌گذاران (در دین)،

گمراه‌کنندگان مردم، ناهلان و تبهکاران، دوری گزینیم؛

- «وَ سَدِّئِي لِأَنْ اُعَارِضَ مَنْ غَشَّيْتُ بِالنُّصْحِ» (همان، دعای ۲۰، فراز

۹)؛ از دوستی صمیمانه با خیانت‌کنندگان (به خود و دیگران) بپرهیزیم؛

- «اللَّهُمَّ وَ اَعْدِي عَلَيَّ عَدُوِي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهٖ شِفَاءً،

وَ مِنْ حَقِّي عَلَيَّهٖ وَفَاءً» (همان، دعای ۱۴، فراز ۸)؛ در سودای انتقام از

دشمنان و ستمگران [به عموم مؤمنان و جامعه اسلامی] باشیم؛

- «وَ اَنْ نُصِيفَ مَنْ ظَلَمْنَا» (همان، دعای ۴۴، فراز ۱۰) درباره

کسانی که بر ما ستم روا داشته‌اند، به انصاف رفتار کنیم [ظلم دیگران

در حق فرد، موجب نمی‌شود که در مقام انتقام، عدالت و انصاف را

نقض کند و خود را مجاز به ارتکاب هر عملی بداند]؛

- «وَ اَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا» (همان، دعای ۴۴، فراز ۱۰)؛ با

خصوصیت‌ورزان (با خود) از در صلح و آشتی وارد شویم و از سر

تقصیرات آنها درگذریم؛

- «وَ حَاشَى مَنْ عُدِي فِيكَ وَ لَكَ، فَاِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَلِّيهِ، وَ

الْحِزْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيهِ» (همان، دعای ۴۴، فراز ۱۰)؛ با دشمنان خدا

[در هر لباس و موقعیت] دشمنی ورزیم و از صلح، دوستی، یک‌رنگی

و یک‌دلی با آنها بپرهیزیم [مؤمن با دوستان خدا، ولای مثبت و با

دشمنان او ولای منفی دارد و البته فقدان محبت و عاطفه قلبی به

دشمنان، منافی هم‌زیستی متقابل اجتماعی با آنها نیست].

#### ۲-۴. دیگران عام

مراد از دیگران عام یا به تعبیر برخی روان‌شناسان اجتماعی، «دیگری

تعمیم‌یافته»، همه افراد جامعه فارغ از ویژگی‌ها و تعینات شخصیتی و



- «وَإِنْصَافَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۶، ح ۳۹)؛ در ارزیابی و قضاوت دیگران [حقوق، وظایف، اعمال، خلیات و... آنها] انصاف را رعایت کنیم؛

- «وَ سَمِّیْ حُسْنَ الْوَلَايَةِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۲۰، فراز ۲۲)؛ در اداره و تولى امور [فردی و اجتماعی] حسن تدبیر را به کار بندیم [رعایت این ارزش به‌ویژه برای مدیران و منصب‌داران جامعه موکد است]؛

- «مَنْ أَعْطَى النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَأَلُهُمْ لِنَفْسِهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۶، ح ۳۲)؛ در مقام اجابت خواسته‌ها و پاسخ‌دهی به نیاز دیگران، آنها را بر خویش مقدم داریم [ایثار = به‌رغم نیاز خود، به فکر دیگران باشیم و تأمین نیاز آنها را در اولویت قرار دهیم]؛

- «وَ لَا يَمْلُ شَيْئًا مِنَ الْحَقِّ رِئَاءً» (همان، ص ۴۹۲، ح ۱۹)؛ «ثُمَّ خَلَّصَ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ، وَ سَمِعَةَ الْمُسْمِعِينَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۴۴، فراز ۷)؛ در صورت توفیق به انجام نیکی‌ها از ریاکاری و سمعه پرهیزیم؛

- «إِنْ زُكِيَ خَافَ مِمَّا يَقُولُونَ وَ يَسْتَعْفِرُ اللَّهَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ وَ لَا يَصْرُهُ جَهْلٌ مِنْ جَهْلَةٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۲، ح ۱۹)؛ از تزکیه خود توسط دیگران خشنود نباشیم [خود را تحت تأثیر اغواآت ثناگویان و متملقان، واجد طهارت روح و تهذیب نفس نپنداریم]؛

- «لَا يَحْدُثُ بِالْأَمَانَةِ الْأَصْدِقَاءَ» (همان، ص ۴۹۲، ح ۱۹)؛ در برخورد با امانات دیگران، امانت‌دار باشیم [اعم از امانت‌داری در اشیا و امور مادی و امور غیرمادی مثل اسرار و خفایای مردم]؛

- «نَظَرَ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤَدَّةِ وَ الْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةً» (همان، ص ۴۹۶، ح ۳۱)؛ از روی محبت و شفقت بر حال مؤمنان نظر کنیم؛

- «اللَّهُمَّ وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي، وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْبِي، وَ اعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۱۴، فراز ۷)؛ زیر بار ستم دیگران نرویم و از ستم بر دیگران نیز پرهیزیم [مؤمن در شرایط عادی از پذیرش ستم دیگران بر خود و اعمال ستم بر دیگران با هر بهانه و توجیهی پرهیز دارد و آن را منافی با روح ایمان و بندگی می‌شمرد]؛

- «اللَّهُمَّ وَ أَكْفِنِي مَوْتَةَ مَعْرَةِ الْعِبَادِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۲۰)؛ «وَ كَفُّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَ فِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا وَ آجِلًا» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۸، ح ۳۵)؛ از آزار و اذیت دیگران

- «وَ كَفُّ لِسَانِهِ عَنِ النَّاسِ وَ اغْتِيَابِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۶، ح ۳۰)؛ «وَ رَجُلٌ لَمْ يَعْيبْ أَخَاهُ بِعَيْبٍ حَتَّى يَتْرُكَ ذَلِكَ الْعَيْبَ مِنْ نَفْسِهِ» (همان، ص ۴۹۶، ح ۳۲)؛ از عیب‌جویی دیگران به‌ویژه عیب‌هایی که خود نیز بدان آلوده‌ایم، پرهیزیم؛

- «يَا إِلَهِي فَلِكِ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَابِيَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَ كَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي، وَ كَمْ مِنْ شَائِئَةٍ أَلَمَّتْ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا، وَ لَمْ تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهَ سَنَارِهَا، وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي، وَ حَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۱۶، فراز ۲۱)؛ اسرار مردم را حفظ کنیم و از افشای عیب‌ها و ضعف‌های آنها خودداری کنیم؛

- «وَ سَدَّدْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ عَشِنِي بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزَى مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ، وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ، وَ أَكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَ أَخَالَفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۹)؛ از غیبت‌کننده و عیب‌جوی خود به نیکی یاد کنیم [یعنی نه‌تنها مقابله به مثل نکنیم که در جهت خلاف رفتار او عمل کنیم]؛

- «وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۹)؛ از نیکی‌ها و خدمات دیگران، قدرشناسی و شکرگزاری کنیم؛

- «وَ لَا يَكْتُمُ الشَّهَادَةَ لِلْبُعْدَاءِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۲، ح ۱۹)؛ در صورت لزوم، از دادن شهادت (له یا علیه دیگران) طفره نرویم؛

- «وَ إِشَادُ الْمُسْتَشِيرِ قَضَاءَ لِحَقِّ النِّعْمَةِ» (همان، ص ۴۹۸، ح ۳۵)؛ به مشورت‌خواهان و متقاضیان مشورت، مشاوره دهیم؛

- «وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ، وَ مُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَ إِذْرَاكِ اللَّهْفِيفِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۶، فراز ۱۸)؛ «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي... مِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۸)؛ در ارشاد و هدایت گمراهان و منحرفان، زبان گویا داشته باشیم؛

- «وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحَّضْهُ بِالْمَنْ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۳)؛ از منت‌گذاری بر دیگران برای کمک‌ها و خدمات اعطایی خود پرهیزیم؛

- «وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ» (همان، دعای ۶، فراز ۱۸)؛ به نیکی‌ها و معروف‌ها [یعنی اعمالی که به‌رغم مطلوبیت و رجحان در نزد عرف، عقل و شرع، توسط برخی بدون دلیل موجه ترک شده یا مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته] امر کنیم؛ و از زشتی‌ها و منکرات [یعنی اعمالی که به‌رغم قباحیت آشکار نزد عرف، عقل و شرع، عده‌ای غافلان یا متمدنانه، بر ارتکاب آن اصرار دارند] نهی کنیم؛

- «اللَّهُمَّ وَحَلِّئِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ در گستراندن عدل و داد [در جامعه]، تلاش کنیم [انتشار این ارزش در پهنه جامعه، وظیفه‌ای است که همگان بسته به موقعیت و توان‌شان، به تحقق آن مأمور و موظفاند]؛

- «اللَّهُمَّ وَحَلِّئِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ در خاموش کردن آتش دشمنی‌ها و خصومت‌ها تلاش کنیم [اعم از دشمنی‌های معطوف به خود یا زمینه‌های تنش و تخاصم آشکار و پنهان در اجتماع]؛

- «اللَّهُمَّ وَحَلِّئِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي ضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ وَاصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِشْأَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سَتْرِ الْعَائِيَةِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ در به هم پیوستن دل‌های پراکنده، رفع منازعات و ایجاد صلح و آشتی میان مردم بکوشیم [تلاش در جهت ایجاد و تقویت همستگی اجتماعی]؛

- «وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ با جماعت مؤمنان همراهی و مصاحبت داشته باشیم؛

- «وَأَنْزِعِ الْعِلَّاءَ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ» (همان، دعای ۴۷، فراز ۱۲۷)؛ از کینه‌ورزی و دشمنی نسبت به مؤمنان پرهیز کنیم [از جمله دعا‌های مؤمنان، خالی بودن دل‌های آنها از کینه و عداوت نسبت به یکدیگر است]؛

- «وَأَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرَ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۳)؛ توفیق ارائه خدمات بی‌منت به مردم را از خدا بخواهیم؛

- «وَوَسِّدْ بِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ، وَأَجْزَى مَنْ هَجَّرَنِي بِالرِّبِّ، وَأُتِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ، وَأُكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَاةِ، وَأُخْلِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۹)؛ به فاصله‌گزینان و روی‌گردانان از خود، واکنش نیکو نشان دهیم؛

- «وَأُتِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۹)؛ از کسانی که ما را از حقوق خویش محروم داشته‌اند، درگذریم [اوج ایثار]؛

- «وَأَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۹)؛ از بدی‌ها و لغزش‌های دیگران، چشم‌پوشی کنیم [ظاهراً مراد بدی‌هایی است که به ما به‌عنوان اشخاص حقیقی متوجه شده است، نه بدی‌ها و زشتی‌های آشکار در سطح جامعه که سزاوار نهی از منکر است]؛

- «وَوَحْفُضِ الْجَنَاحِ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ در برخورد با دیگران، فروتن و متواضع باشیم [البته تا جایی که دیگران از نحوه برخورد و منش ما سوءاستفاده نکنند]؛

خودداری کنیم [که این خود نشانه خردمندی و مایه آسایش انسان است] و متقابلاً خود را در معرض آزار و اذیت دیگران قرار ندهیم؛

- «وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَ إِذْرَآكِ اللَّهِيْفِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۶، فراز ۱۸)؛ فریادرس مظلومان و ستم‌دیدگان باشیم [چه در ارتباطات بین فردی و چه در ارتباطات میان فرهنگی و روابط میان جوامع مختلف. این فریادرسی هرچند برای افراد و جوامع مؤمن تحت ستم از اولویت برخوردار است؛ اما قطعاً محدود به آنها نیست. روشن است که ادای این وظیفه اخلاقی منوط به داشتن توان و اقتضای مصالح فردی و اجتماعی عامل است]؛

- «وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَّتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْجِرْمَانِ، وَ اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ قَوْتِ الْأَخْسَانِ» (همان، دعای ۱۳، فراز ۱۴)؛ به دیگران امید نندیم و بر ایشان اتکا و اتکال نکنیم [یعنی مبدا به‌جای اعتماد و توکل بر خداوند به دیگران مثل خود تکیه کنیم و البته این توصیه منافاتی با همکاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های متقابل ندارد]؛

- «بَلِّ اجْعَلْ سُكُونِ قَلْبِي وَ أَنْسَ نَفْسِي وَ اسْتَعْنَائِي وَ كَفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِكَ» (همان، دعای ۲۱، فراز ۱۲)؛ از پذیرش مساعدت و حمایت ستمکاران بپرهیزیم [بالتبع این نوع دریافت‌ها، علاقه‌مندی و محبت قلبی آنها را در پی دارد و این با لزوم تبری از ایشان ناسازگار است]؛

- «حَتَّى...، وَ يِنَاسٍ وَ لِيَّ مِنْ مِيْلِي وَ أَنْحِطَاطِ هَوَايَ» (همان، دعای ۲۲، فراز ۱۳)؛ از جانب‌داری و هواخواهی نابحق [حتی] در مورد دوستان بپرهیزیم [مؤمن همواره باید حق‌مدار و حق‌محور باشد و نباید صرفاً به دلیل تعلق خاطر دوستانه و خوف از نگرانی و رنجش خاطر دوستان، از حق عدول کرده و هواخواهانه قضاوت کند]؛

- «اللَّهُمَّ وَ أَعِدْنِي عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهِ شِفَاءً، وَ مِنْ حَتْفِي عَلَيْهِ وَفَاءً» (همان، دعای ۱۴، فراز ۸)؛ به کسانی که در حق ما بدی روا داشته‌اند [به‌جای مقابله به‌مثل] نیکی کنیم [که طبیعتاً به آمادگی روحی بالاتراز حد معمول نیاز دارد]؛

- «وَأَفْضُ عَنِّي كُلِّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مَنْ وَجُوهُ طَاعَتِكَ أَوْ يَخْلُقُ مِنْ خَلْقِكَ وَ إِنْ ضَعْفَ عَنْ ذَلِكَ بَدَنِي، وَ وَهَنْتَ عَنْهُ قُوَّتِي، وَ لَمْ تَنْلَهُ مَقْدَرَتِي، وَ لَمْ يَسَعَهُ مَالِي وَ لَا ذَاتُ يَدِي، ذَكَرْتُكَ أَوْ نَسِيْتُكَ» (همان، دعای ۲۲، فراز ۶)؛ در ادای حقوق و انجام وظایف خود در برابر دیگران، در حد توان تلاش کنیم؛

تعلق خاطر به داشته‌ها و امکانات دیگران خود را برهانیم [بدیهی است که این وابستگی در صورت یک‌سویه بودن، با روح عزت‌خواهی مؤمنانه تنافی دارد]:

«وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَإِذْرَاكِ اللَّهِيفِ» (همان، دعای ۶، فراز ۱۸)؛ در مقام امداد و دست‌گیری، نیازمندان و ناتوانان [احتمالاً اعم از اقتصادی] را مقدم داریم؛

«وَمَا نَسْتَوْجِسُ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ» (همان، دعای ۵، فراز ۷)؛ از خشک‌دستی و بخل‌ورزی دیگران و محروم ماندن از کمک آنها، هراس نکنیم [که خود از آثار توکل و اعتماد به وعده‌های خداوند است].

«اللَّهُمَّ فَاقْتِنِ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي وَابْتَلَى بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي» (همان، دعای ۲۰، فراز ۲۶)؛ از سرزنش و بدگویی به کسانی که از کمک به ما دریغ ورزیده‌اند، بپرهیزیم؛

«اللَّهُمَّ وَارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَحْسُدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ، وَحَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَنِعْمِكَ» (همان، دعای ۲۲، فراز ۱۲)؛ از رشک و حسد به دیگران به‌خاطر نعمت‌های خداداد آنها بپرهیزیم؛

«وَأَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَأَنْ نُنْظِرَ بِإِخْرَاجِ الزُّكُوتِ» (همان، دعای ۴۴، فراز ۱۰)؛ اموال خود را با ادای حقوق مالی مقرر (حقوق واجب، مثل رد دیون، مطالبه، زکات، خمس، کفارات، نذورات) از حقوق دیگران بیالاییم.

### نتیجه‌گیری

امام سجاده<sup>ع</sup> در تذکار وظایف اخلاقی مؤمن نسبت به خود و دیگران (مهم، عام، مطرود) به اصول، قواعد و معیارهایی توجه داده‌اند: ترسیم خط‌مشی‌های ایجابی و سلبی برای عمل مؤمنانه در موقعیت‌های مختلف، ترجیح ارتباط با مؤمنان بر سایرین؛ تأکید بر انجام وظایف و ادای حقوق؛ اجتناب از هر نوع تسامح در رعایت ارزش‌های اخلاقی؛ تأکید بر تکلیف‌محوری به‌جای حق‌محوری؛ عدم مقابله به‌مثل در بدی‌ها و زشتی‌ها؛ ترجیح ایثار در برخی عرصه‌های ارتباطی، مثل کمک‌های مالی؛ سبقت‌جستن و تلاش حریصانه در انجام خوبی‌ها و دوری‌گزیدن از بدی‌ها؛ تلاش بی‌وقفه در مسیر کسب کمالات و فضائل نفسانی و دوری‌جستن از ردائیل و نقصان‌ها؛ توجه به کیفیت

«وَمَا تَرْفَعُنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا» (همان، دعای ۲۰، فراز ۴)؛ در کسب بزرگی و عظمت در چشم مردم [و معادل آن] کوچکی و حقارت در نفس خویش بکوشیم؛

«وَأَلَّا تُحَدِّثَ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخَذْتِ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا» (همان، دعای ۲۰، فراز ۴)؛ در کسب عزت و سروری ظاهری در چشم مردم [و معادل آن] ذلت و حقارت باطنی نزد خود بکوشیم؛ [در ادامه این بخش، به تعاملات دارای سوبه و جهت اقتصادی توصیه شده است]

«وَأَيُّهَا التَّضَلُّلُ» (همان، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ احسان به دیگران را [در هر صورت ممکن] ترجیح دهیم؛

«وَمَا يَسْتَعِيكَ، فَابْسُطْ يَدِي» (همان، دعای ۲۲، فراز ۴)؛ در کمک به دیگران، سخی و گشاده‌دست باشیم؛

«إِنَّ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ الْإِنْفَاقَ عَلَى قَدْرِ الْإِقْتَارِ وَالتَّوَسُّعَ عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۶، ح ۲۹)؛ به مستحقان و نیازمندان، انفاق کنیم [انفاق به‌جا، به‌اندازه و با نیت درست]؛

«وَأَلْفُضَالَ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، دعای ۲۰، فراز ۱۰)؛ از بخشش به کسی که استحقاق دریافت ندارد یا سزاوار کمک نیست، اجتناب ورزیم [احتمالاً مراد آنجایی است که این بخشش موجب سوء استفاده دریافت‌کننده شود]؛

«اللَّهُمَّ وَاجْتَنِبْ عَنِ السَّرْفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَقَوْمِي بِالْبَذْلِ وَالْإِقْتِصَادِ، وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَأَقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ» (همان، دعای ۳۰، فراز ۳)؛ در مقام بخشش و انفاق، اعتدال و اقتصاد را رعایت کنیم [میان‌روی در مطلق امور از جمله بخشش مطلوبیت و رجحان دارد؛ یعنی در کمک به دیگران نه بخل و خست ورزیم و نه گشاده‌دستی پیشه کنیم؛ به‌گونه‌ای که خود و اهل و عیال خویش را در تنگنا قرار ندهیم]؛

«وَمَا صَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَخْتَاجُ إِلَيَّ رِفْدِكَ وَ قَلْبْتُ مَسْأَلَتِي عَمَّنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَن فَضْلِكَ وَ رَأَيْتُ أَنْ طَلَبَ الْمُحْتَاجُ إِلَيَّ الْمُحْتَاجَ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَ ضَلَّةً مِنْ عَقْلِهِ» (همان، دعای ۲۸، فراز ۳-۵)؛ به امکانات و داشته‌های دیگران طمع و چشم‌داشت نداشته باشیم؛

«اللَّهُمَّ وَلِيَّ إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِي، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي، وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَى مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ، وَ لَا يَسْتَعْنِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنكَ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَ عَثْرَةٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ» (همان، دعای ۱۳، فراز ۱۵)؛ از وابستگی و

.....منابع

صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، ترجمه محمد مهدی رضایی، قم، دفتر نشر معارف.  
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۷، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه صادق حسن زاده، چ دهم، قم، آل علی.  
 احمدوند، فردین، ۱۳۹۰، «بررسی اصول اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ش ۵، ص ۱۱۵-۱۳۷.  
 احمدی، بابک، ۱۳۸۰، *معمای مدرنیته*، چ دوم، تهران، نشر مرکز.  
 حق شناس، حمیدرضا، ۱۳۸۸، *اخلاق اجتماعی در صحیفه*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.  
 خیاط، علی و مصطفی رمضان زاده خیرآبادی، ۱۳۹۷، «جلوه‌های اخلاق اجتماعی در ارتباط با همسایگان از منظر صحیفه سجادیه»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ش ۱۶، ص ۳-۱۴.  
 دادوند، احمد، ۱۴۰۰، «حقوق والدین در صحیفه سجادیه»، *ره توشه*، ش ۱۳۶، ص ۱۸۹.  
 رضایی بیرجندی، علی، ۱۳۹۵، *سبک زندگی در صحیفه سجادیه*، قم، بوستان کتاب.  
 رهبر، محمدتقی، ۱۳۶۶، *سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.  
 سنی‌مان، بی. جی، ۱۳۷۵، *اخلاق رسانه‌ای: نگرشی بر مبنای فرائض اخلاقی*، در: جمعی از نویسندگان، *نگاهی دیگر به اخلاق رسانه‌ای*، ترجمه محمود حقیقت کاشانی و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.  
 شهری، محمدحسین، ۱۳۸۴، «ابعاد انسانی و اجتماعی صحیفه سجادیه»، *مطالعات قرآن و حدیث سفینه*، ش ۹، ص ۱۴۹-۱۶۸.  
 فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۰، *شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
 فنایی، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، *دین در ترازوی اخلاق*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.  
 مجموعه مقالات همایش سبک زندگی امام سجاد، ۱۳۹۲، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی.  
 مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۷، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.  
 \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *نظریه حقوقی اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.  
 مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۳ق، *فی ظلال صحیفه سجادیه*، قم، دارالکتاب الاسلامی.  
 وارنوک، ماری، ۱۳۸۹، *جایگاه آیریس مرداک در اخلاق‌شناسی روزگار ما*، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران، نگاه معاصر.

اعمال به‌جای کمیت آنها؛ فضیلت‌محوری و ردیلت‌گریزی مداوم؛ تلاش در ایجاد امنیت اخلاقی و اجتماعی برای خود و دیگران [از طریق مهار تمایلات سرکش و دامن‌زدن به انحرافات]؛ سعی در جنبه عبادی دادن به اعمال (رعایت توأمان حسن فعلی = انجام نیکی‌ها و صالحات؛ و حسن فاعلی = انجام عمل نیک با خلوص نیت و جلب رضای خداوند)؛ تأکید بر نقش محوری و عاملیت فرد به‌جای عوامل ساختاری و زمینه‌های اجتماعی؛ معرفی ضمنی و صریح اسوه‌ها و الگوهای اخلاقی و ترغیب مؤمنان به اقتدای به ایشان؛ توجه دادن مؤکد به لزوم استقلال مالی و عدم وابستگی ذلت‌بار به دیگران؛ توصیه ضمنی به لزوم نافع بودن و مفید بودن فرد به‌حال خود و جامعه؛ ایجاد زمینه فردی و اجتماعی برای بهره‌گیری و استفاده از امکانات دیگران به‌صورت متقابل؛ لزوم مجالست با نیکان و اختیار و ترک مصاحبت با بدان و کج‌روان؛ بسط اخلاق به همه ساحت‌های زیستی، اعم از گفتاری، رفتاری، ذهنی، روحی، بینشی، گرایشی، مادی و معنوی و...؛ لزوم مراقبت شخصی از خود در مقابل انحرافات محیط؛ ترجیح خود در مقام اصلاح و تهذیب در مقایسه با دیگران؛ ترجیح خانواده، اقارب و همسایگان مؤمن و نیازمند در مقام خدمات‌دهی و رفع نیازها در مقایسه با دیگران؛ میدان ندادن به چاپلوسان و متملقان؛ مردم‌داری و لزوم رعایت حال مردم؛ لزوم تلاش در جهت کسب عزت و اعتبار در جامعه و در میان مردم؛ لزوم داشتن توجه ویژه به اقشار محروم و نیازمند؛ تأکید بر مسئولانه زیستن و احساس تعهد در مقابل دیگران؛ اجتناب آکید از اعمال ستم بر دیگران یا پذیرش ستم دیگران بر خود؛ تلاش در جهت عینیت‌بخشی و تثبیت ارزش‌های متعالی مثل حق و عدالت در جامعه؛ تلاش در جهت ارشاد منحرفان و ستمگران و در صورت عدم تأثیر، طرد و دوری جستن از آنها؛ ترجیح صلح و دوستی در تعاملات اجتماعی به‌جای خصومت‌ورزی و دشمنی؛ بصیرت‌ورزی در مواجهه با فتنه‌های زمانه؛ و اغتنام فرصت‌ها و اجتناب از تضییع آنها.